

سوانح زندگی و بازخوانی چشم اندازها و افق های زنانه در آثار داستانی رضیه بت  
LIFE AND NARRATIVE: EXPLORING FEMININE HORIZONS IN THE FICTION  
OF RAZIA BUTT

Maria Ali

PhD Scholar, Persian Department, Lahore College for Women University, Lahore

[alihussainnoorka@gmail.com](mailto:alihussainnoorka@gmail.com)

Syeda Faleeha Zahra Kazmi

Chairperson Persian Department, Lahore College for Women university, Lahore

[faleehazahra@lcuw.edu.pk](mailto:faleehazahra@lcuw.edu.pk)

**Abstract:**

*Razia Butt (1928-2012) was one of the most seminal and prominent figure in Pakistani Urdu popular fiction renowned for her captivating storytelling and insightful depiction of women's lives. Born during a period of intricate socio-cultural upheaval Butt's novels illuminate themes of struggle, love, family, societal norms, moral challenges and expectations placed upon women in South Asian society. Examined through a feminine lens, her work highlight female subjectivity and emotional resilience. This paper explores Butt's distinctive portrayal of marital dynamics and the friction between traditional norms and emerging modernity. By centering the women's narratives and perspectives, she bridges the gap between literary aesthetics with social consciousness. In Urdu literature her work offers a literary space where female voices and identities are acknowledged and recognized.*

**Key Words:**

Urdu Popular Fiction, Razia Butt, Biography, South Asian Women, Feminine perspective

ادبیات در طول تاریخ ابزار بیان احساسات و اندیشه بوده است چون این گنجینه ای است که اندیشه را بیدار می سازد و حقیقت زندگی را بازتاب می دهد.

"ادبیات به عنوان آینه ای از فرهنگ و تمدن یک ملت معرفی می شود؛ زیرا تمامی جنبه های مدنیت ملل عموماً در آثار مکتوب و خلاق آن ها نمایان می شود. در حقیقت، ادبیات ملی یک قوم، خصوصاً در جوامع کهنسال، همراه با سنت های هنری و فنی برجای مانده از گذشته، مجموعه ای از فرهنگ و تمدن آن قوم را شکل می دهد." (1)

نیلیم فرزانه در کتاب "اردو ادب کی خواتین ناول نگار" می نویسد:  
"بعضی از نویسندگان زن نه فقط خواستار حقوق اولیه بشر هستند بلکه زنان را هم حق می دهند که از آموزش و تمدن جدید بهره مند شوند و می توانند بیرون از خانه برای بهبود زندگی خود تلاش کنند. چنین تحلیلهایی نه فقط به شناخت بهتر تحولات هنری زنان نویسنده کمک می کنند بلکه مسیر رمان نویسی زنانه را با رویکردی جامع تر روشن می سازند." (2)

ادبیات معاصر اردو، بالخصوص در پاکستان، فضایی است که زنان نویسنده در آن، با وجود محدودیت های فرهنگی و اجتماعی، به تدریج توانستند صدای خود را به جامعه برسانند. در میان این نویسندگان، رضیه بت یکی از چهره های برجسته و اثرگذار است که با قلمی صمیمی و پرحرارت، روایت هایی از زندگی، عشق، رنج و مقاومت زنان را در صحنه ی اجتماعی و اخلاقی به تصویر کشیده است. مطالعه زندگی و آثار رضیه بت نه تنها از منظر ادبی حائز اهمیت است، بلکه از دیدگاه جامعه شناختی هم اهمیت خاصی دارد چون نوشته های او بازتاب دهنده فضای فکری و فرهنگی جامعه پاکستان از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰ به شمار می آید. از آثارش پیدا است که رضیه بت یکی از معروف ترین نویسندگان زن پاکستان است که آثارش در نیمه ی دوم قرن بیستم، نقش چشمگیری در گسترش رمان نویسی زنانه در ادبیات اردو داشته است و رمان های وی پر خواننده ترین رمان ها هستند.

از خودنوشت رضیه بت "بچه ڑے لمحے"، معلوم می شود که او در 19 مه، 1924 میلادی در پاکستان در شهر پندی به دنیا آمد. او می نویسد:

"روز 19 مه 1924 طلوع شد، آغاز گرما بود ولی هوای شهر پندی چندان گرم نبود،..... پدرم فهمید که دختر زاییده این من بودم." (3)

دوران کودکی خود را در پیشاور در خانواده ای مذهبی و اهل فرهنگ گذرانده است. پدر وی از کارمندان دولت بریتانیا در هند بود و به آموزش دختران اهمیت ویژه ای می داد. به همین سبب رضیه توانست تحصیلات خود را در مدرسه ی

انگلیسی زبان شهر ادامه بدهد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در همان شهر گذراند. او از همان دوران نوجوانی، به ادبیات و نوشتن علاقه داشت و آثار زنان رمان نویس معروف مثلاً قره‌العین حیدر و عصمت چغتائی را با دقت می‌خواند. نخستین داستان کوتاه، با عنوان "نقاب" در سال 1940 میلادی در مجله‌ی ادب لطیف منتشر شد که توجه منتقدان و خوانندگان را به استعداد تازه‌ی درمیان نویسندگان زن جلب کرد. این داستان بعداً به‌طور رمان "نازله" چاپ شد. (4)

او در 1946 میلادی با عبد‌العلی بت ازدواج کرد و بعد از ازدواج نوشتن را برای زمانی موقوف نمود. بعد از چهار سال باز آغاز نوشتن کرد. وی بیش از پنجاه (50) رمان و سیصد و پنجاه (350) داستان کوتاه نوشته. اولین رمان او "ناهد" در 1959 میلادی چاپ شد. (5)

در کتاب "بچه‌زده لمحے" که خود نوشت اوست، می‌نویسد:

اولین رمان من "ناهد" بود و آن خوانندگان را به خود جلب کرد و مقبولیت قابل توجهی یافت. (6)

رمان مهم او، "ناز و نیاز" در دهه‌ی 1950 منتشر شد و به‌سرعیت محبوبیت زیادی پیدا کرد. در ادامه، رمان‌ها چون "بانو" (1951)، "سایا" (1963)، "دوریا" (1970)، "چاندنی" (1975) و "مہتاب" (1984) نوشت که هرکدام بازتاب دهنده‌ی گوشه‌ای از زندگی اجتماعی زنان در جامعه‌ی پاکستان بودند. با ادامه‌ی فعالیت در عرصه‌ی نویسندگی، رضیه بت با نوشتن این رمان‌ها جایگاه خود را به‌عنوان یکی از نویسندگان محبوب و پرکار اردو نمایان کرد. آثار وی بارها به چاپ مجدد می‌رسیدند. تعدادی از رمان‌های او نیز دستمایه ساخت فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی شدند و این نشان دهنده تأثیر گسترده‌ی وی بر طبقات مختلف جامعه است. مقبولیت رمان‌های رضیه بت می‌تواند در فهم بیشتر درباره جامعه متوسط زمان وی کمک کند. در دهه‌ی 1970 و 1980، رمان‌های او به‌صورت سریال‌های رادیویی و تلویزیونی اقتباس و ارائه داده شدند. سریال معروف بانو که از تلویزیون پاکستان پخش شد، نام او را در سراسر کشور شناساند. رضیه بت تا پایان عمر به نوشتن ادامه داد. آخرین اثر چاپ‌شده‌ی او "چاندنی" در دهه‌ی 90 میلادی منتشر شد. او در 5 اکتوبر 2012 میلادی در شهر لاهور درگذشت و عمرش در آن موقع هشتاد و نه سال بود.

در مجموع، رمان‌های رضیه بت بازتابی از جامعه پاکستان در نیمه دوم قرن بیستم هستند، جامعه‌ای که میان دوگانه‌های سنت و مدرنیته، ایمان و تجربه، عشق و اخلاق در کشاکش است. او توانست بدون بهره‌گیری از شعار پردازی، تصویر زنی را به نمایش بگذارد که تجسمی از یک انسان کامل است. عاشق، مادری مهربان، اندیشمندی ژرف بین و زنی مقاوم.. " مبارزه یک زن برای بقای خود، سفر بین خیال و واقعیت در تمدن‌ها، جوامع و سنت‌های مختلف، ورود به عصر حاضر، تمام این اشکال مختلفی که جامعه به او داده است و شکل اصلی که در واقع متعلق به خود اوست که برای رسیدن به آن تلاش شده و می‌شود، همه این مباحث در رمان اردو مطرح شده‌اند و از این منظر، رمان نویسان سعی کرده‌اند که زن عصر خود را ارائه دهند. " (7)

زندگی رضیه بت با تجربه‌های فردی و اجتماعی زنان مسلمان جنوب آسیا در آن دوران ارتباطی تنگاتنگ داشت. پس از تقسیم شبه‌قاره در سال 1947، جامعه پاکستان با چالش‌های متعدد هویتی، طبقاتی و فرهنگی روبه‌رو شد و زنان مسلمان این منطقه نقش پیچیده‌ای به‌عهده داشتند. رضیه بت در آثار خود به عمق کشمکش‌های زنان میان سنت و مدرنیته پرداخته. شخصیت‌های زن در آثار وی سعی دارند تا کرامت انسانی خود را حفظ کنند و بدون جدا شدن از سنت‌ها درکی از خواسته‌های فردی خود بیابند. این جنبه‌ی اجتماعی نوشته‌های وی بازتاب‌دهنده‌ی چالش‌ها، فشارها و امیدهای زنان عصر اوست. در این میان، زنان نقش خاصی ایفا می‌کردند، چون از یک طرف آنها سنت‌های فرهنگی و مذهبی را حفظ کردند و از سوی دیگر آنها در تلاش برای یافتن جایگاهی نو در ساختار اجتماعی جدید بودند. آثار رضیه بت انعکاسی از این کشمکش‌های درونی و بیرونی زنان آن دوره محسوب می‌شود. شخصیت‌های زن در آثار او غالباً بین خواسته‌های فردی و فشارهای اجتماعی در حرکت هستند؛ آنان نه به‌طور کامل تابع سنت‌اند و نه به‌طور کامل از قید آن آزاد هستند بلکه در مسیر کشف خود و حفظ کرامت انسانی‌شان دست و پا به تلاش می‌زنند.

رضیه یکی از چهره‌های برجسته‌ی ادبیات معاصر است که در بستر محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی پاکستان، به تدریج توانست صدای خود را در دل جامعه القا کند. وی با قلمی ساده و صمیمی زندگی، عشق، رنج، و مقاومت زنان را در قالب روایت‌هایی اجتماعی و اخلاقی به تصویر کشید و نقشی پررنگ در بازتاب فرهنگ و فضای جامعه‌ی پاکستان از دهه‌ی 1950 تا 1990 ایفا نموده است.

زبان رمان‌های رضیه بت شفاف، ساده و روان است و موضوعاتی مانند عشق، خانواده، وفاداری، فداکاری، و ستم پنهان بر زنان، زندگی طبقات متوسط در اجتماع، مسایل روان شناختی، درد مهاجرت و تقسیم و غیر آن‌ها در آثار او نمایان است. او به رویکرد اخلاقی به عشق نگاه نمود و جنبه‌ی انتقادی و انسانی به روایت‌های عمیق بخشیده است. او عشقی را بیان می‌کند که بر مرزهای احساس و وظیفه استوار است و ریشه در ارزش‌های فرهنگی دارد و به همین سبب می‌توان ادبیات او را امتداد سنت داستان‌نویسی اخلاق‌گرای اردو دانست.

در ادبیات زبان اردو آثار رضیه بت به خاطر سادگی و سلاست و موضوعات ملموس اما تأثیر گذار جایگاه خاصی دارند. رمان‌های او اگرچه در ظاهر زندگی ساده و روزمره را روایت می‌کنند اما در عین حال تجربه‌های زیستی، مرز بندی عاطفی و جایگاه فرد در خانواده را هم بیان می‌کنند. افراد جامعه خود را با آن نوشته‌ها پیوند می‌دهند، بیان جزئیات احساسات مثل سکوت، نگاه کوتاه و غیر آن از ویژگی‌های رمان وی است.

خواندن رمان رضیه بت فقط مطالعه ی یک داستان نیست بلکه حس کردن یک فضایی است که در آن اخلاق، سنت، زندگی اجتماعی به صورت تنیده حضور دارند. موضوعات آثار او نشان می‌دهند که چگونه ادبیات زنانه اردو توانسته است از مرزهای صرف احساسات عبور کرده و به قلمرویی از شناخت و تفکر اجتماعی وارد شود. رضیه بت توانست صدای زنانی را که در دل جامعه‌ای سنتی زندگی می‌کردند به تاریخ برساند، بی‌آنکه خود را در برابر فرهنگ حاکم قرار دهد. او موفق شد پلی میان ارزش‌های اخلاقی و آزادی زنان بنا کند و این همان عاملی است که سبب جاودانگی آثار او شده است.

جاوید اختر نویسنده ی کتاب " ادر و ادب کی خواتین ناول نگار می نویسد:  
" روان شناسی زنان را خود زنان ، در مقایسه با مردان بهتر درک می کنند و می توانند ان را به شیوه ای سنجیده و دقیق بیان کنند. ازین رو در این حوزه نسبت به مردان برتری دارند. " (8)  
در ادبیات کلاسیک زن اغلب در حاشیه قرار دارد و برای پیشبرد داستان صرفاً نقش یک ابزار ایفا می کند. با خواندن رمان های رضیه بت حتی با دیدن نام های رمان های او به خوبی می توان فهمید که جهان داستانی او، جهان زن است. در بسیاری از رمان های رضیه بت شخصیت اصلی رمان زن است. او عمدتاً برای زنان می نویسد تا با خواندن رمان های وی زن ها بتوانند هم ذات پنداری کنند و به همین خاطر خوانندگان بیشتر او زنان خانه دار و دانشجویان بودند. زنها داستان های وی را می خوانند تا خود را در آن ها بیابند. همین باعث تضمین موفقیت تجاری رمان های وی بود. تحلیل گران معتقد اند که انتخاب زن به طور موضوع ریشه در تجربه های زیست خود و حس همدلی عمیق وی دارد.  
" اسم بیشتر از رمان هایش به اسم زنها است مانند گل بانو، شائنه، ماه رخ، ناجیه، صاعقه، ناهید، زری، نورینه، نانله، ریشم، عاشی، شیو، انیلا، بینا و نمو و غیر آنها." (9)

هانطور که قبلاً بیان شده که نقش زن در جامعه پاکستان از موضوعات مهم رمان های رضیه بت است. زن در رمان های او فقط یک "نقش خانوادگی" ندارد بلکه او یک انسان با احساسات کامل با ترس ها، رویا ها و قدرت ها است. اگرچه در رمان وی زن خانه دار پاکستانی ظاهراً ساده است ولی در عین حال در یک دنیای مستقلی جریان دارد. رمان های وی نشان می دهد که او نه زن را قهرمان می سازد نه قربانی محض بلکه زن در آثار او یک زندگی واقعی دارد که در آن مسئولیت دارد، شکست می خورد، خواسته ها دارد و حوصله ی دوباره ایستادن هم دارد. او نقش ها را ساده ترسیم نمی کند بلکه دشواری های زندگی را واقعی هم مورد نظر اوست.  
"یکی از ویژگی های اصلی رمان های این زنان رمان نویس اولیه، تصویر سازی محیط و بافت اجتماعی زندگی است. ازدواج ها و سایر مراسم خانواده های مسلمان طبقه معمولی آن دوره بسیار زنده و واقع گرایانه است. بنا بر این بیشتر رمان ها مربوط به خانواده اند. آنها خانواده هایی را به تصویر می کشند که به بهترین جنبه های آموزش جدید و تمدن غربی آراسته بودند" (10)

رضیه بت در آثار خود دوگانگی بنیادین جامعه را هم بیان می کند: دوگانگی بین سنت و تجدد، فردیت و جمع گرایی، خواسته های قلب زن در مقابل حکم خانواده.

در یک مقاله ای درباره رمان های رضیه بت، زرناب رانا می نویسد:

Main characters are loyal, submissive, dependent and tractable. Their interest is home making and they sacrifice their lives for their families." (11)

زن در رمان های وی موجودی نه فقط منفعل است بلکه انسانی است که جست جوی هویت و عزت نفس می کند. مسایل خانوادگی را گاه انتقادی و گاه واقع گرایانه توصیف می کند. زن های قهرمان در رمان صاعقه، بانو، نرمین، مهتاب و غیره میان عشق و آزادی تعادل تلاش می کنند. او بر خلاف نویسندگان معروف زن معاصر از بیان پیچیدگی های فلسفی پرهیز می کند و تجربه ی زن عادی را مطرح می کند. همین رویکرد انسانی و ملموس او را از پر خواننده ترین نویسندگان قرار داده است.

ساختار سنتی خانوادگی یعنی مجموعه ای از قواعد ها و انتظارات و نقش هایی که برای زن در خانواده و جامعه تعیین می شود و این قالب در رمان های رضیه بت بارها تکرار شده و در بسیاری از رمان ها مثل نانله، صاعقه، بانو، ناجیه، ریطه، وحشی و غیر آن داستان ها از دید زن روایت شده اند. در بیشتر آثار زن بین تلاطم امید و نومیدی، وفاداری و خیانت و عشق و خشم چون شاخه ای لرزان در باد سرگردان است. اگرچه نحوه این داستان ها عاشقانه است ولی زن با سنت و بخت تقدیر و نابرابری جنسیتی چه می کشد، بر آن نقدی اجتماعی هم هست مثلاً در رمان "بانو" داستان در بستر تلخ جدا شدن هند و پاکستان قرار دارد که دل ها از زخم تقسیم شبه قاره آرام نگرفته بودند، ولی در عین حال آن شرایط را بیان می کند که بسیاری از زنان آن دوره تجربه کرده بودند او می نویسد:

" اماں کو یوں لگا کہ جیسے فسادات میں ملک و ملت کے نام پر کٹنے والوں کی لاشیں ان کے سامنے لاکر رکھ دی گئی ہیں۔ وہ سر پر ہاتھ رکھ کر بین کرنے لگیں۔ حمید جھک کر

جیسے مرنے والوں کو تعظیم دے رہا تھا۔ کچھ دیر اس طرح گزر گئی۔ ذہن جیسے ماؤف ہی ہو چکے تھے " (12)

(مادر احساس می کرد که اجساد کسانی که در شورش ها به نام میهن و ملت جان خود را باخته بودند، جلوی چشمانش آورده شده است. او در حالی که دستانش را روی سرش قرار داده بود، شروع به ناله کردن کرد. حمید چنان خم شده بود گویی مردگان را تعظیم می کرد. لحظاتی به همین منوال سپری شد. ذهن ها از کار افتاده بودند.)  
مشکلات زنان مطلقه، مهاجر، یتیم و غیر آن ها را به دقت بیان می کند که داستان برای خواننده ملموس می شود. قهرمان های داستان برای نوسازی زندگی، تلاش برای بقا و بازسازی هویت دست و پا می زنند و در جامعه ای که ساختار مرد سالاری دارد، زن را اجازه می دهد که با وجود محدودیت ها و رنج های بسیار مقاومت کند و شناختی برای خود پیدا کند. البته این حقیقت هم انکار پذیر نیست که بت نمی خواهد که زن در میان این تمام سعی ها از مرز های اخلاقی و خانوادگی عبور کند. به همین خاطر رفتار زن حیاتی ترین عنصر رمان های اوست.  
در بیشتر از رمان ها زن یک نقش فداکارانه دارد و حامل ارزش های اخلاقی است. در رمان "نورینه" نورینه برای عشق خود فداکاری می کند و دخترش را برای معالجه به کشور دیگر می فرستد که حتی خود محبوب او که پدر این دختر بود هیچ اطلاعی درباره فرستنده نداشت. او می نویسد:

"مبارک ہو جاوید، پچی ٹھیک ہو گئی۔ نورینہ نے کئی لمحوں بعد کہا۔ جاوید کی طرف دیکھا اور گاڑی چلا دی۔"

"خدا حافظ"۔ اس نے کہا اس کی آنکھوں میں آنسو جھلملا رہے تھے۔

"تم کتنی عظیم ہو نورینہ" جاوید کے ہونٹوں سے نکلا۔ جانے نورینہ نے یہ الفاظ سنے بھی تھے یا نہیں۔" (13)

(مبارک باشد جاوید، دخترت خوب شده. نورینه بعد از چند لحظه گفت. به طرف جاوید دید و ماشین را به راه انداخت. خدا حافظ، او گفت و اشک در چشمهایش می درخشیدند.)

نورینه تو چه قدر بزرگ منش هستی، از لیبایش برآمد، معلوم نبود که نورینه این حرفها را شنیده بود یا نه) شخصیت زن در بعضی از رمان ها منافع و خوشبختی خود را زیر پا می گذارد تا وابستگان به او فایده ای ببابند و این فداکاری عموماً با سکوت همراه است. در رمان های رضیه بت زن گاهی استقامت در مقابل ظلم، فقر، بد عهده مردان و... دارد و اما در نهایت پیروز می شود. صبر او هم صبر منفعلی نیست بلکه فعال است که شخصیت او را بالا می برد.

**صبر و سکوت زن در رمان "وحشی" چنین بیان می شود:**

"تقدیر پریشاں کہ ہو کر منیرہ نے بھی حالات کی تخیلوں کو گلے لگانے کا تہیہ کر لیا۔ اپنی ازدواجی زندگی کی بہاروں کو بھول کر بیوگی کی خزاؤں سے دل لگانے لگی۔ بھابھیوں کے رویے بدل گئے تھے۔" (14)

(منیرہ با سپاسگذاری سرنوشت خود را تسلیم کرد و تصمیم گرفت که تلخی های شرایط را بپذیرد. او با فراموش کردن شادی های زندگی خود دلش را به پاییز بیوگی سپرد. رفتار زن های برادرانش هم تغییر پیدا کرده بود.)  
رضیه بت در رمان های خود زاویه روان شناختی و مسایل اجتماعی زنان را با قلم صمیمی بیان کرده است. در رمان می نویسد:

"اس کی زندگی کا آفتاب دکھ کے اندھیروں میں طلوع ہوا تھا۔ غربت اور افلاس سایہ فگن تھے۔ ماں باپ کے پیار کی چاشنی بھی اسے یاد نہ تھی۔ اس نے توجہ سے ہوش سنبھالا تھا جبر و تشدد سے ہی واسطہ پڑا تھا۔ اس کے اندر ایک حساس گل پرورشے تھی، جو گلوں کی طرح نرم و نازک اور ٹکفٹہ تھی۔" (15)

(خورشید زندگی اش در تاریکی غم طلوع کرده بود. فقر و تهی دستی آسمانش بودند، حتی شیرینی محبت پدر و مادر هم در یاد او نبود. از زمانی که بزرگ شده در معرض خشونت و جبر قرار گرفته بود. در درون وجود او یک گل پرورشے ای بود که در ظرافت و زیبایی مثل گل ها بود.)

او در آثار خود دوگانگی بنیادین جامعه را هم بیان می کند؛ دوگانگی بین سنت و تجدد، فردیت و جمع گرایی، خواسته های قلب زن در مقابل حکم خانواده. خانواده در آثار رضیه بت به طور یک واحد مرکزی جامعه بیان شده است بلکه می توان گفت که عرصه ی اصلی است که سر نوشت زن را تعیین می کند. زن در رمان های او مادر و همسر فداکار است که نقش او بر اساس انتظارات اجتماعی تنظیم شده است و موفقیت او بر همین اساس سنجیده می شود. اغلب قهرمان رمان های او همسر بد اخلاق دارند و در شرایطی سخت زندگی می کنند ولی باوجود این صبور هستند و ایثار می کند. هر چه قدر زن صبر و سکوت می کند بیشتر با معیار قهرمان اخلاقی سازگار می شود. این صبر و سکوت در جامعه سنتی به عنوان "عظمت زنانه" ستایش می شود. حفظ ساختار خانواده بیشتر مهم است تا فردیت و هویت زن. مادران در رمان او نمادی از ایثار و قربانی با مرکزیت اخلاق و ثبات عاطفی هستند و این فداکاری ها تکلیف قدسی محسوب شده اند. بار سنگین ناموس هم بر دوش زنها نهاده می شود و کوچک ترین رفتار نا مناسب یا نا متعارف از زن باعث لکه دار شدن آبروی خانواده می شود.

**در رمان "امان" ساختار سنتی چنین زنجیر پای زن می شود:**

آپ کو یہ بات ذہنی طور پر تسلیم کرنی ہوگی کہ آپ آغا جان کی بیوی ہیں، ہمارے باپ کی بیوہ۔ ہماری ماں۔ ہم کبھی سوچ بھی نہیں سکتے کہ اپنی ماں کی دوسری شادی کریں یہ ہماری غیرت اور عزت کو چیلنج ہے۔ لیکن یہ سوچ لیں کہ رتبے اور تقدس کو قائم رکھنے کے لئے ہم اپنی جانیں بھی نثار کر سکتے ہیں۔" (16)

(باید از نظر ذہنی قبول کنی کہ شما بیوہ ی آفا جان هستی یعنی بیوہ ی پدر ما هستید -مادر ما- ناموس و آبروی ما ، ما ہر گز نمی توانیم حتی فکری درمورد ازدواج مادرمان کنیم۔ این چالشی برای حیثیت و آبروی ما است۔ اما در ذہن داشته باشید کہ ما برای حفظ تقدس و آبروی خود جان خود را ہم فدا خواهیم کرد۔)

عشق از موضوعات مهم و بنیادین در ادبیات اردو است کہ از سنت صوفیانه تا داستان ها و رمان های معاصر وجود داشته است۔ از محورهای مهم فکری در رمان های رضیہ بت، کشمکش میان عشق و وظیفہ است۔ در آثار او عشق و وفاداری با محدودیت های طبقاتی و خانوادگی گره خورده است و وفاداری و عشق نمادی از مقاومت و حفظ هویت فردی و اجتماعی قرار داده شده است۔ او عشق را نیروی انسانی و شایسته می شمارد اما این نیرو در رمان های وی در مواجهہ با سنت، خانواده، و مذهب محکی برای سنجش قرار داده شده۔ عشق در آثار او از سطح یک رابطہ احساسی فراتر رفته و فقط یک پیوند عاطفی نیست بلکه ابزاری برای سنجیدن ارزش ها و وجدان انسانی تبدیل می شود۔

امجد اسلام امجد چه قدر خوب نوشته است: عشق و محبت نهالی است کہ حتی فصلش ہم نباشد، ہموارہ سبز می ماند و عشق دریایی است کہ حتی اگر باران ہم با آن قہر کند ، آبش کم نمی شود۔" (17)

بیان منظرہ های دلکش ہم شامل رمانس می شود و بت در رمان های خود با تشبہات و استعارات این منظرہ ها را تصویر کشیده است۔

**در رمان وحشی می نویسد:**

سردیوں کی رات جھلکتی جارہی تھی۔ چاندنی چمکی ہوئی تھی اور پوری بستی پر چاندنی کا گھلا گھلا نور نسوں کا جال پھیلائے ہوئے تھے۔ ہلکی ہلکی ہوا کی سرگوشیاں پر اسرار سی ہوئی جارہی تھیں۔ ہر سو خاموشی تھی۔" (18)

(شب زمستان آرام آرام خیس می شد۔ مہتاب ہمہ جا تابیدہ بود و نور لطیف آن در ہمہ جا پخش می شد۔ زمزمہ ی آرام باد ، لحظہ لحظہ پر اسرار تر می شدند۔ سکوت عمیقی ہمہ جا را فرا گرفته بود۔)

در رمان "شاننہ" رضیہ بت رمانس را بہ طوری بیان کردہ است کہ گویی منظرہ های فطرت با او ہمکلام شدہ اند۔ "صبح بڑی سہانی تھی۔ آسمان کھڑکیا تھا۔ آسمان کی نیلاہٹیں صاف و شفاف تھیں۔ فضا کی گھٹن ختم ہو گئی تھی۔ سورج کی سنہری حدت نے بڑا نکھار پیدا کر دیا تھا۔ پہاڑوں پر نیلا سبز دھل کر تازہ دم ہو گیا تھا۔ صبح کی تازہ تازہ ہوا فضا میں خوشبو کی طرح پھیل کر سکون کا احساس دلارہی تھی۔" (19)

در رمان "بانو" و "نائلہ" زن ها بین خواستہ های فردی و توقعات اجتماعی سرگردان بہ نظر می آیند و در جاہایی کہ عشق با معیارهای جامعہ ی مردسالار تعارض دارد، رضیہ بت با لحنی آرام و درونی نشان دادہ کہ چگونه عشق ویژگی آزادی آفریدن و فرسایندگی ہم دارد۔

در رمان "ڈھل گئی رات" موضوعات مانند تاریخ و مہاجرت ہم با عشق بیان شدہ است۔ شخصیت های رمان نہ فقط برای بقا در دنیا ی بیرون می کوشند، بلکه سعی می کنند کہ احساسات و حرمت فرد را در برابر دگرگونی های اجتماعی حفظ کنند۔

از منظر رضیہ بت، مفہوم عشق را باید در تقابل بین سنت و مدرنیته پیدا کرد۔ برخلاف نویسندگان مرد کہ معاصر او بودند و تصویر عشق را یا گناہ و یا شوری زودگذر ترسیم می کردند۔ بت عشق را نوعی جستار حقیقت در چارچوب محدودیت ها تلقی می کند۔ در بسیاری از رمان هایش، قهرمان زن در تعارض میان سنت و آزادی فردی قرار دارد۔ شخصیت هایش در جستجوی هویت، عشق و استقلال اند، اما ہم زمان از قید ارزش های اخلاقی و دینی نیز گریزان نیستند۔ این تعادل میان احساس و ایمان، از ویژگی های اصلی قلم رضیہ بت است۔ قهرمان زن در آثار وی ہمیشہ بر سر دو راہی اطاعت از خانوادہ یا پیروی از صدای قلب خود قرار دارند۔ با وجود این، رضیہ بت با نگاہ ہوشمندانہ و زیرک خود، راہ دیگری را اختیار می کند و آن راہ، راہی است کہ بین عشق، اخلاق، و مسئولیت پیوندی ہمہاہنگ برقرار می کند۔

**در رمان "بانو" او می نویسد:**

عشق کی تمام منازل طے کر کے وہ اب اس جگہ پہنچ چکی تھی جہاں محب و محبوب دونوں ایک ہو جاتے ہیں۔ حجاب کے پردے رہتے ہیں، غیرت کی دیواریں نہیں رہتیں۔ اپنی اس لگن کے ساتھ ساتھ وہ دونوں قومی کام کو بھی لگن سے کرنے میں لگن تھے۔ حسن جلوسوں کا اہتمام کرتا اور بانو قائد اعظم ریلیف فنڈ کے لئے چندہ جمع کرنے کی مہم میں پیش پیش ہوئی۔ بانو کو حسن جیسے عظیم انسان پر فخر تھا اور حسن کو بانو جیسی باوقار دوشیزہ پر۔" (20)

(او کہ تمام منازل عشق را پیموده بود اکنون بہ جایی رسیدہ بود کہ عاشق و معشوق یکی می شوند۔ پردہ های حجاب می مانند ولی دیوارهای بیگانگی می افتند۔ در کنار این فداکاری ہر دوی آنها بی انجام کارهای ملی ہم مشغول بودند۔ حسن اجتماعات و راہ پیمایی ها را ترتیب می داد و بانو در جمع آوری کمک های مالی برای صندوق امداد قائداعظم مشغول بود۔ بانو بہ مرد بزرگی مانند حسن افتخار می کرد و حسن بر بانو، زن با وقار مفتخر بود۔)

رضیہ بت از چند نویسندگان ادبیات اردو است کہ زندگی طبقہ متوسط شہری پاکستان را از نظر زن با دقت و ظرافت بر قرطاس تصویر کشیده است. خانواده‌های متوسط شہر لاہور، ارزش‌های مذہبی، مسایل اقتصادی و نقش زنان در خانہ و اجتماع موضوعاتی هستند کہ در آثار او بہ وضوح دیدہ می‌شود. رضیہ بت با نثری سادہ و روان، در مکالمہ ہا تصویری ارائه می‌کند کہ بتواند برای خوانندگان عادی مخصوصاً برای زن ہای خانہ دار قابل درک و فہم و قدری ملموس باشد. در حقیقت، رمان‌های رضیہ بت را می‌توان نمونہ ای از جامعہ‌شناسی احساسی بہ شمار آورد؛ داستان‌هایی کہ تغییرات اجتماعی و فرہنگی از دیدگاہ زنان روایت می‌شود. **محبت مادر را در رمان "وحشی" چنین تصویر کشیدہ:**

"یہ جلن آج ماں کے پیار کے خنک چھینٹوں سے ٹھنڈی ہو رہی تھی۔ وہ ماں سے لپٹ لپٹ گیا۔ اس کے گلے میں بائیں ڈال کر جھولا۔ اس رات ماں نے اسے لپٹا کر سلا یا۔ نیند میں بھی آصف کوماں کے ہونٹوں کی نرمی اور آنسوؤں کی نمی کا احساس رہا۔" (21)

(این سوزش امروز با قطرات خنک عشق مادرش داشت فروکش می‌شد. او مادرش را محکم در آغوش گرفت و دستانش دور گردنش انداخت و بہ ناز آویخت. آن شب مادرش او را در آغوش کشیدہ خواباند. آصف حتی در خواب ہم نرمی های لبانش و نم اشکهایش را حس می‌کرد.)

یکی از ویژگی‌های برجستہ رمان‌های او ہمین است کہ جامعہ تنها یک بستر برای بیان داستان نیست بلکہ در داستان حضوری زندہ و مستقل دارد. خانہ‌ها، بازارها، مسجدہا، و مدرسہ ہا و محیط دور بر آن ہا ہمگی، کشاکش میان سنت و تجدد را بازتاب می‌دهند. در این روابط متقابل، زن ہا گاہ قربانی‌اند و گاہ عامل تحول و دگرگونی. ہمین محور اصلی قدرت رمان‌های رضیہ بت است. از نظر فکری او نویسندہ‌ای اخلاق‌گرا و انسان دوست بود. دریک مصاحبہ‌ای با روزنامہ یجنگ (1995)، گفتہ بود:

"می‌نویسم تا زنان بدانند کہ سکوت، تقدیر نیست و عشق، فقط تسلیم شدن نیست." در رمان "امان" دختری کہ بہ خاطر پول و امارت تفریق بین خیر و شر فراموش کردہ بود را در نہایت آزرده و عبرت ناک نشان دادہ است. می‌نویسد:

"شگوبارگئی

اسے ہارمانا ہی تھی

سب کچھ پا کر بھی اسے کچھ نہ ملا۔ دولت کی ہوس نے اسے جن راہوں پر ڈال دیا تھا وہ ان پر بھنگ بھی نہیں سکتی۔

اس کی حالت فرعون مصر کے وقت کی ان میوں کی سی ہے جو سونے اور چاندی کی دیواروں میں مقید ہیں۔ مدفون خزانوں پر دھری یہ حنوط شدہ لاشیں ایک لحاظ سے شگو سے تو اچھی ہیں

کہ

اس کی طرح جیتی جاگتی مدفون اور مقید نہیں ہیں۔" (22)

(شگو باخت و تسلیم شد

او چارہ ای جز سر تسلیم فرود آوردن نداشت

با آن کہ فکر می‌کرد بہ ہمہ آمالش رسیدہ، ہیچ نیافت. حرص پایان نپذیر ثروت او را بہ جادہ ای پرتاب کردہ بود کہ بہ آن جادہ تکیہ نمی‌توان کرد.

حال او درست شبیہ مومیایی های فراعنہ مصر بود کہ جسم خشک و بی جان محصور در دیوار های طلا و نقرہ بود. اجساد پیچیدہ در گنجینہ های مدفون، از شگو کہ بہتر بودند کہ

مئل او زندہ و جاوید بہ گور و در بند نیستند)

این آیینہ ای تمام نما است کہ جامعہ سنتی را از دیدگاہ یک زن نشان می‌دهد. از نوشتہ ہایش اهمیت ارزش های اخلاقی و سعی ترویج اخلاق گرایی با تاکید بر انسان دوستی بہ وضوح دیدہ می‌شود.

### منابع و آخذ

1- محمد جعفر یاقحی، کلیات تاریخ ادبیات فارسی، سازمان سمت، تہران، 1380، ص 13

2- نیلم فرنازہ، اردو ادب کی خواتین ناول نگار، فکشن ہاؤس، لاہور، 2017، ص 19

3- رضیہ بت، چھپڑے لے، سنگ میل پبلیکیشنز، لاہور، 2012، ص 28

4- وقار عارف، بی بی سی اردو ڈاٹ کام، 1 جنوری 1970

- 6- رضیہ بٹ، چھترے لہے، 165
- 7- عقلم جاوید، اردو ناول میں تائیدیت، فکشن ہاؤس لاہور، 2020، ص 16
- 8- جاوید اختر، اردو ادب کی نواتین ناول نگار، سنگ میل پبلی کیشنز، لاہور، 1997، ص 222
- 9- رضیہ بٹ، چھترے لہے، ص 165
- 10- نیلم فرزانہ، ص 23
- Rana, Z., & Shahed, S. (2020). Portrayal of women in Khatt-e-Marmuz by Fehmida Riaz and Chahtain Kesi by Razia Butt. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research*, 452, 1–6. Atlantis Press.  
<https://doi.org/10.2991/assehr.k.200801.061>
- 12- رضیہ بٹ، بانو، سنگ میل پبلی کیشنز، لاہور، 2014، ص 80
- 13- رضیہ بٹ، نورینہ، ادبی دنیا اردو بازار، دہلی، 1983، ص 261
- 14- رضیہ بٹ، وحشی، سنگ میل پبلی کیشنز، لاہور، ص 61
- 15- رضیہ بٹ، زندگی، سنگ میل پبلی کیشنز، لاہور، 2009، ص 92
- 16- رضیہ بٹ، اماں، ادبی دنیا اردو بازار، دہلی، 1989، ص 860
- 17- امجد اسلام امجد، بہنیں کہیں، جہانگیر بک ڈپو، راولپنڈی، 2006، ص 32
- 18- رضیہ بٹ، وحشی، ص 163
- 19- رضیہ بٹ، شانند، ماورا پبلی کیشنز، لاہور، 1979، ص 9
- 20- رضیہ بٹ، بانو، سنگ میل پبلی کیشنز، لاہور، 2014، ص 157
- 21- رضیہ بٹ، وحشی، ص 96
- 22- رضیہ بٹ، اماں، ادبی دنیا اردو بازار، دہلی، 1989، ص 861